

مقایسه سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به فالگیر

الهام قنبری^۱
بنفشه امیدوار^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به فالگیر انجام شد. طرح پژوهش از نوع علی مقایسه‌ای و جامعه پژوهش شامل افراد مراجعه‌کننده به فالگیر شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ بود. حجم نمونه ۱۰۰ نفر شامل افراد غیرمراجعه‌کننده و مراجعه‌کننده به فالگیر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل دو پرسشنامه مقیاس دلبستگی بزرگسال (هازن و شیور، ۱۹۸۷) و حمایت اجتماعی ادراک شده (زیمت و همکاران، ۱۹۸۸) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره با نرم افزار SPSS-21 تحلیل شدند. نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن بود که میزان سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در افراد مراجعه‌کننده به فالگیر بیشتر از افراد غیرمراجعه‌کننده و میزان حمایت خانواده و دیگران در آنان کمتر از افراد غیرمراجعه‌کننده بود ($P < 0/05$)، اما بین آنها از نظر سبک دلبستگی ایمن و حمایت اجتماعی دوستان تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($P > 0/05$). بر اساس نتایج به دست آمده سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده نقش موثری در مراجعه به فالگیر دارند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، حمایت اجتماعی ادراک شده، افراد مراجعه‌کننده به فالگیر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. دکترای مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روانشناسی بالینی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) omidvarpsy@gmail.com

مقدمه

میل به پیش‌بینی آینده از گذشته‌های دور مورد علاقه انسان‌ها بوده و این میل، باعث به وجود آمدن شغل‌هایی خاص به نام طالع‌بینی یا فال‌گیری^۱ شده است. طالع‌بینی یا فال‌گیری ریشه در خرافه‌گرایی^۲ دارد. خرافه‌گوشه‌ای از عقاید معقول^۳ یا غیرعلمی است که با فرهنگ آمیخته شده و توسط افراد آن جامعه به عنوان امری طبیعی پذیرفته شده است. خرافه از زمره مهم‌ترین عواملی است که به‌عنوان سد راه رشد و ترقی جوامع شناخته می‌شود (عزیزخانی، ابراهیمی و آبتین، ۱۳۹۴). تقدیرگرایی^۴ و توجه به خرافات در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی به منزله نوعی باور و اعتقاد فرهنگی شرح داده شده است که انسان را موجودی ناتوان در وقایع زندگی در نظر می‌گیرد. علاوه بر این، این نگرش، به انسان نوعی احساس بی‌قدرتی و ناتوانی در مورد شناخت علل وقایع و پدیده‌ها، پیش‌بینی و کنترل آینده می‌دهد (نیازی و شفایی مقدم، ۱۳۹۳). فالگیری یک سازه یا نوعی تولید اجتماعی و فرهنگی است که از گذشته تا کنون در جوامع وجود داشته است و در هر دوره متناسب با شرایط خاص تاریخی و اجتماعی همان دوره برای این پدیده معنا و کارکرد خاصی وجود داشته است. فالگیری امری محلی یا مختص به ایران نبوده، بلکه ماهیت جهانی به خود گرفته است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان دهنده نقش ویژه این پدیده در زندگی روزمره است (قادرزاده و غلامی، ۱۳۹۴).

از دلایل متعدد مراجعه به فالگیرها و تمایل افراد به گرایش به خرافات می‌توان به وجود مشکلات عدیده مردم در معیشت، عدم دستیابی به نیازها، عدم دریافت حمایت‌های اجتماعی در زندگی، مشکلات روحی و روانی، باورها و کارکردهای عاطفی و تبدیل شدن این باورها به رفتار و کنش‌های اجتماعی منطقی و غیر منطقی و در نهایت نوعی راهبرد انطباقی ناکارآمد برای کاهش علایم اضطرابی و وسواس‌گونه اشاره کرد (شریفی، ۱۳۸۰). علاوه بر این، رفع روزمرگی، آینده‌نگری، کاهش فشار هنجاری، فردی شدن باورها، کلیشه‌های جنسیتی، کارکرد های مشکل‌گشایی و تخلیه روانی از جمله عوامل دیگر مراجعه افراد به فالگیران بوده است (قادرزاده و غلامی، ۱۳۹۴). عوامل روان‌شناختی نیز در مراجعه به فالگیران و تمایل به طالع‌بینی دخیل بوده‌اند. روگرز (۲۰۱۲) از طالع‌بینی به عنوان مکانیزمی جهت جلوگیری از اضطراب دلبستگی‌های ناایمن بزرگسالی یاد کرده است. همچنین کیسمن (۱۹۹۰) بیان داشته است که افراد این پدیده را به عنوان جانشینی برای نقش‌های حمایتی استفاده می‌کرده‌اند.

در پژوهش پیش‌رو، دو عامل سبک‌های دلبستگی^۵ و حمایت اجتماعی ادراک شده^۶ در افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به طالع‌بین مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه دلبستگی توسط بالبی^۷ مطرح شد. در این نظریه سه سبک دلبستگی متفاوت تعریف شده است: ایمن، مضطرب/دوسوگرا و اجتنابی. افراد دلبستگی ایمن بیشتر احتمال دارد خود را دوست داشته

1. fortune telling
2. superstition
3. common sense
4. destinyism
5. attachment styles
6. perceived social support
7. Bowlby

باشند و درخواست حمایت کنند و درماندگی‌های خود را اعلام کنند و احساسات منفی خود را تعدیل و حل و فصل نمایند. برعکس افراد دارای وابستگی مضطرب/دوسوگرا وابسته و محتاج و دوسوگرا معرفی می‌شوند. این افراد مضطرب، وسواسی و در انتخاب‌ها دچار تردید هستند. افراد دلبستگی اجتنابی در بزرگسالان کسانی هستند که وابستگی و نیاز به حمایت و تمایل به اجتناب از صمیمیت را انکار می‌کنند (روگرز و همکاران، ۲۰۰۷). نیازی و مقدم (۱۳۹۳) نیز بیان داشته‌اند که تقدیرگرایی به ساخت مقتدرانه خانواده بستگی دارد که سبب می‌شود برخی افراد بی‌اراده و مطیع تربیت شوند و وجود احساس ناامنی و حس عدم وجود تکیه‌گاه باعث تقویت روحیه تقدیرگرایی می‌شود. روگرز (۲۰۱۲) نشان داد که افراد مضطرب و یا با سبک دلبستگی نایمن به عنوان یک مکانیزم جبران‌کننده به ماوراءالطبیعه بیشتر اعتقاد دارند. مکانیزم کنترل برای مقابله با دلبستگی بزرگسالان نایمن در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت. علاوه بر این، روگرز و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی مقدماتی بیان داشتند که اعتقاد به ماوراءالطبیعه با تروما در دوران کودکی و سبک‌های دلبستگی نایمن ارتباط معناداری دارد. برای اولین بار کوب (۱۹۷۶)؛ به نقل از علی‌پور، (۱۳۸۵) حمایت اجتماعی ادراک شده را به عنوان نوعی آگاهی تعریف کرد که به واسطه آن فرد باور می‌کند که مراقبت شده و دوست داشته می‌شود، دارای ارزش، اعتبار و احترام است و متعلق به شبکه‌ای از ارتباطات و تعهدات دو سویه می‌باشد. دیگر محققان حمایت اجتماعی را تبادلات بین فردی می‌دانند که شامل عاطفه، تایید و تصدیق، مساعدت و یاری و تشویق و اعتبار است. خانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که بین درماندگی اجتماعی و گرایش به خرافات رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین این محققان بیان داشتند که خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی، درماندگی اجتماعی، حقوق شهروندی و محرومیت اجتماعی، قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی گرایش به خرافات است. در جوامعی که درماندگی و ناکامی بیشتر است، زمینه گرایش به خرافات نیز بیشتر است. انسان‌هایی که در چنین جوامعی زندگی می‌کنند محکوم به جمود فکری و فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت و به شدت وابسته به اقتدار سنت و منفعل هستند. کیسمن (۱۹۹۰) نیز نشان داد که مراجعه به فالگیر برای زنان ایسلندی به مشابه یک حمایت اجتماعی می‌باشد.

از آنجا که مطالعات محدودی در این حیطه در کشور ما و در سطح کلی انجام شده‌است، با توجه به توضیحات داده شده پژوهش حاضر به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا بین سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به فالگیر تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به فالگیر شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ بود. حجم نمونه با توجه به غیر بالینی بودن افراد در این پژوهش ۵۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده و ۵۰ نفر از افراد غیرمراجعه‌کننده بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های انتخاب افراد نمونه عبارت از حداقل ۱۸ سال سن و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن، دسترسی به فضای مجازی و اپلیکیشن واتساپ (توزیع

پرسشنامه‌ها توسط این اپلیکیشن و به صورت آنلاین انجام شد) و اعلام مراجعه یا عدم مراجعه به فالگیر بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

الف) پرسشنامه مقیاس دلبستگی بزرگسال: این مقیاس که توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده است دارای ۱۵ گویه است و سه سبک دلبستگی ایمن (۵ گویه)، اجتنابی (۵ گویه) و دوسوگرا (۵ گویه) را مورد سنجش قرار می‌دهد. نحوه نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می‌باشد و حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود.

ملاک‌های روایی و پایایی این پرسشنامه در جامعه ایرانی توسط بشارت (۱۳۸۴) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. همچنین بشارت (۱۳۸۴) برای سنجش پایایی بازآزمایی ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته محاسبه کرد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴ محاسبه شد. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱، ۰/۵۷ محاسبه شد. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد. (بشارت، ۱۳۸۴). پایایی پرسشنامه فوق در پژوهش حاضر با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و مقدار آن ۰/۸۰ محاسبه شد که نشان‌دهنده‌ی پایایی مطلوب پرسشنامه می‌باشد.

ب) پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک شده: این پرسشنامه را زیمت و همکاران (۱۹۸۸) به منظور سنجش حمایت اجتماعی ادراک شده از طرف خانواده، دوستان و افراد مهم در زندگی یک فرد تهیه کرده‌اند. این پرسشنامه دارای ۱۲ سوال است. این مقیاس، ادراکات بسندگی حمایت اجتماعی را در سه منبع خانواده، دوستان و دیگران مهم می‌سنجد. براور و همکاران (۲۰۰۹)، پایایی درونی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ، ۹۰ تا ۸۶ درصد برای خرده مقیاس‌های این ابزار و ۸۶ درصد برای کل ابزار گزارش نموده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ سه بعد حمایت اجتماعی دریافت شده از سوی خانواده، دوستان و افراد مهم زندگی را به ترتیب ۸۹ درصد، ۸۶ درصد و ۸۲ درصد ذکر نموده‌اند. در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس در نمونه‌هایی از دانشجویان و جمعیت عمومی ایرانی (تعداد ۷۴۲، ۳۱۱ دانشجوی و ۴۳۱ عمومی)، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و گویه‌های سه زیر مقیاس حمایت خانوادگی، اجتماعی و دوستان به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۹ محاسبه شد. همسانی درونی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده را تأیید می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۶). پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر برای نمره کلی حمایت اجتماعی ادراک شده و هر سه بعد حمایت دوستان، خانواده و شخص به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۸۹، ۰/۹۰ و ۰/۹۰ محاسبه گردید.

جهت انجام پژوهش محقق با حضور در چند مرکز فالگیری در سطح شهر از فالگیران خواست لاینک پرسشنامه را برای مراجعه‌کننده گان خود ارسال کنند. دلیل انتخاب این روش پنهان

بودن بخشی از جامعه پژوهش است. برای افراد غیرمراجعة‌کننده به فالگیر لینک پرسشنامه در گروه‌ها و فضای مجازی به اشتراک گذاشته شد. به همراه لینک، متنی برای افراد ارسال شد که به آنها تعهد اخلاقی داده شد که اصل امانت و رازداری در استفاده از نتایج پرسشنامه‌ها در پژوهش رعایت میشود. در توضیحات ذکر شده بود منظور از مراجعه به فالگیر، مراجعه بالای ۵ بار و اعتقاد به این عمل است. پس از آن پرسشنامه‌های ناقص، پرسشنامه‌هایی که با توجه به دروغ سنج منقضی بودند و نمونه‌هایی که مراجعه یا عدم مراجعه به فالگیر در آن ذکر نشده بودند حذف شدند و سپس آزمون آماری مناسب یعنی تحلیل واریانس چندمتغیره در نرم افزار SPSS-21 برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی افراد شرکت کننده در پژوهش در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد شرکت کننده به تفکیک سطح تحصیلات و جنسیت در هر گروه

گروه	تحصیلات	فراوانی	درصد
مراجعة‌کننده به فالگیر	دیپلم و زیر دیپلم	۷	۱۴
	لیسانس	۱۷	۳۴
	فوق لیسانس	۲۳	۴۶
	دکتر	۳	۶
معمولی	دیپلم و زیر دیپلم	۵	۱۰
	لیسانس	۳۱	۶۲
	فوق لیسانس	۱۱	۲۲
	دکتر	۳	۶
گروه	جنسیت	فراوانی	درصد
مراجعة‌کننده به فالگیر	مرد	۱۱	۲۲
	زن	۳۹	۷۸
	مرد	۲۸	۵۶
معمولی	زن	۲۲	۴۴

در جدول ۱ نتایج سطح تحصیلات و جنسیت افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعة‌کننده به فالگیر قابل مشاهده است. میانگین و انحراف معیار سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده گروه‌ها در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
سبک دلبستگی اجتنابی	مراجعه کننده به فال گیر	۱۵/۰۲	۳/۴۰
	معمولی	۱۰/۹۶	۳/۸۴
سبک دلبستگی ایمن	مراجعه کننده به فال گیر	۱۵/۳	۳/۰۳
	معمولی	۱۵/۷۲	۳/۲۸
سبک دلبستگی دوسوگرا	مراجعه کننده به فال گیر	۱۴/۷۴	۴/۴
	معمولی	۱۱/۱۴	۳/۷۱
سبک های دلبستگی کل	مراجعه کننده به فال گیر	۴۵/۰۶	۶/۸۱
	معمولی	۳۷/۷۶	۵/۷۶
حمایت اجتماعی خانواده	مراجعه کننده به فال گیر	۱۳/۵۸	۳/۹۹
	معمولی	۱۵/۵	۳/۴۸
حمایت اجتماعی دوستان	مراجعه کننده به فال گیر	۱۲/۹۲	۴/۲۴
	معمولی	۱۴/۲	۳/۵
حمایت اجتماعی دیگران	مراجعه کننده به فال گیر	۱۲/۹	۴/۵۲
	معمولی	۱۴/۸	۳/۱۵
حمایت اجتماعی کل	مراجعه کننده به فال گیر	۳۹/۵۲	۱۰/۳۲
	معمولی	۴۴/۴۶	۶/۲۶

علاوه بر این برای بررسی تفاوت میانگین نمره دو گروه آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش از روش تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج در جداول شماره ۳ و ۴ آورده شده است.

جدول ۳. تحلیل واریانس سبک های دلبستگی در دو گروه آزمودنی ها

منبع	متغیرها	مجذور مربعات درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	η^2
	دلبستگی اجتنابی	۱	۴۱۲/۰۹	۲۵/۱	۰/۰۰۰۱	۰/۱۶
گروه	دلبستگی ایمن	۱	۴/۴۱	۰/۴۴	۰/۵	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرا	۱	۳۲۴	۱۹/۶	۰/۰۰۱	۰/۱۳

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، بین دو گروه در دلبستگی اجتنابی ($F=۲۵/۱$ ، $P<۰/۰۵$) و دلبستگی دوسوگرا ($F=۱۹/۶$ ، $P<۰/۰۵$) تفاوت معنی داری وجود دارد. با مقایسه میانگین ها معلوم می شود که در هر دو سبک اجتنابی و دوسوگرا میانگین نمره افراد مراجعه کننده به فالگیر بطور معنی داری بیشتر از افراد عادی است، اما تفاوت در سبک دلبستگی ایمن معنی دار نیست ($F=۰/۴۴$ ، $P<۰/۰۵$).

جدول ۴. تحلیل واریانس حمایت اجتماعی ادراک شده در دو گروه آزمودنی‌ها

منبع	متغیرها	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	η^2
	حمایت اجتماعی خانواده	۹۰/۲۵	۱	۹۰/۲۵	۶/۴۲	۰/۰۱	۰/۱۲
گروه	حمایت اجتماعی دوستان	۴۰/۹۶	۱	۴۰/۹۶	۲/۷	۰/۱	۰/۰۰۱
	حمایت اجتماعی دیگران	۸۸/۳۶	۱	۸۸/۳۶	۵/۸	۰/۰۱	۰/۱۲

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین دو گروه در حمایت اجتماعی خانواده ($F=۶/۴۲$ ، $P<۰/۰۵$) و حمایت اجتماعی دیگران ($F=۵/۸$ ، $P<۰/۰۵$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با مقایسه میانگین‌ها معلوم می‌شود که میانگین نمره گروه مراجعه‌کننده به فالگیر در هر دو متغیر به طور معنی‌داری کمتر از میانگین نمره افراد عادی است، اما تفاوت در حمایت اجتماعی دوستان معنی‌دار نیست ($F=۲/۷$ ، $P<۰/۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده بین افراد مراجعه‌کننده و غیرمراجعه‌کننده به فالگیر در شهر شیراز انجام شد. نتایج بیانگر این بود که بین گروه‌های مورد بررسی، در دو سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های روگز (۲۰۱۲)، روگرز و همکاران (۲۰۰۷)، مودنی و بهشتی‌دوست (۱۳۹۶)، عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴) و قادرزاده و غلامی (۱۳۹۴) همسو و هم‌جهت می‌باشد.

در راستای تبیین تفاوت سبک دلبستگی دوسوگرا دو گروه باید گفت که افراد دارای این سبک نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت به دیگران به عنوان ویژگی اصلی افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا است. توجه طلبی از ویژگی‌های افراد دوسوگرا است - ارزشیابی منفی از خود - اشتغال ذهنی مداوم نسبت به روابط با دیگران، افراد با دلبستگی مضطربانه نیاز شدید به حمایت و مهر و محبت نزدیکان خویش دارد. تهدیدها و صدمات به خود را فاجعه‌آمیز و مصیبت‌بار دانسته و در مورد آنها اغراق می‌کند. مترصد و گوش به زنگ بوده و به سادگی رفتارهای دیگران را به عنوان تهدید تفسیر و تعبیر می‌کند (جانسون، ۲۰۰۵؛ به نقل از فرهنگ‌مندی‌پور، ۱۳۸۹). این افراد تمایل به تجربه حسادت نسبت به دیگران دارند. از عزت نفس بی‌ثباتی برخوردار هستند. افراد دوسوگرا در جستجوی صمیمیت هستند ولی از طرد شدن هراس دارند و افراد آشفته در مورد رابطه شان نگران هستند. افراد اضطرابی رفتارهایشان بیشتر بر روی هیجانات است تا شناخت. پس طبیعی است که این افراد بر توانایی‌های خود تکیه نمی‌زنند و همیشه در پی اتفاقات و پیشگویی‌ها می‌روند و احتمال گرایش به فالگیر در نزد آنها افزایش می‌یابد. افراد دارای این سبک معمولاً در هر زمینه‌ای به خصوص اجتماعی اغلب از جانب دوستان و اطرافیان خود احساس نگرانی می‌کنند. از اینکه تحقیر بشوند یا تنبیه بشوند. افراد دارای این سبک معمولاً دارای خودمختاری و استقلال پایین هستند که زمینه را برای شکست در اجتماع فراهم می‌کند و همین امر موجب گرایش به سمت فالگیر را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این نتایج بیانگر این بود که تفاوت نمرات حمایت اجتماعی خانواده و حمایت اجتماعی دیگران بین گروه‌های مورد پژوهش معنادار است. این نتایج نیز با نتایج پژوهش‌های بهار (۲۰۱۰)، درنتا (۲۰۰۶)، خانی و همکاران (۱۳۹۲) و کیسمن (۱۹۹۰) هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها باید گفت که افراد همیشه به دنبال پیوندهای صمیمی و عاطفی هستند، هنوز نیاز به همدم و تعلق خاطر داشتن حس می‌شود و اینجاست که پیوندهای صمیمی خود را نشان می‌دهد. اعتقاد بر این است که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با اختلالات به فرد کمک می‌کند: اولاً، اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموسی به شکل منابع مادی در اختیار یک شخص قرار دهند (مثلاً قرض دادن پول، خرید مایحتاج زندگی و مواظبت از کودکان). ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی می‌توانند با پیشنهاد اقدامات متنوعی، فرد را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازند و این اقدامات متنوع، می‌تواند به حل مشکلی که موجب تنیدگی و استرس شده، کمک کند. این پیشنهادها به شخص کمک می‌کند تا به مشکل از دیدگاه جدیدی نگاه کند، بدین ترتیب آن را حل کرده یا آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند. ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می‌توانند با اطمینان بخشی دوباره به فرد، در خصوص این که او شخص مورد علاقه، با ارزش و محترم است، از وی حمایت عاطفی به عمل آورند (دیماثو، ۱۳۷۸). راتوس معتقد است که حمایت اجتماعی اثرات نامطلوب فشار روانی را از پنج طریق، تعدیل و تضعیف می‌کند: توجه عاطفی، یاری‌رسانی، اطلاع‌رسانی، ارزیابی و جامعه‌پذیری (بخشی‌پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴). باورهای خرافی که ناشی از محرومیت اجتماعی و عدم شناخت درست رخدادهاست باید با توجه به رشد علوم جدید رو به افول بگذارند اما عوامل اجتماعی و سودجویانه دیگران باعث باقی ماندن این مساله می‌شود. مردم را سرگرم می‌کند، از مسیر حقیقی دور می‌کند، اجازه تفکر عقلانی و حس مسیولیت‌پذیری را از آن‌ها سلب می‌کند. در میان در جوامعی که فقر، درماندگی و ناکامی بیشتر است زمینه‌ی گرایش به خرافات نیز بیشتر می‌شود. انسان‌هایی که در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند محکوم به جمود فکری، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراس از نوآوری، بی‌اعتماد و به شدت وابسته به اقتدار و منفعل بوده و قدرت تغییر سرنوشت را ندارند. فشارهای اجتماعی و تنش‌های حاکم در این جوامع باعث زندگی نامطمئن و پرتنش می‌شود که فرد برای رفع تنش به خرافات دست می‌زند. در مجموع، برای تبیین و توضیح چگونگی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامتی، دو مدل نظری مطرح گردیده است: مدل تأثیر مستقیم یا تأثیر کلی حمایت اجتماعی، و مدل تأثیر غیر مستقیم یا فرضیه ضربه‌گیر حمایت اجتماعی. مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی: مطابق این مدل نظری، برخورداری از حمایت اجتماعی برای سلامتی مفید است. حمایت اجتماعی، صرف نظر از این که فرد تحت تأثیر استرس و فشارهای روانی باشد یا نه، باعث می‌شود فرد از تجارب منفی زندگی پرهیز کند و این امر، اثرات سودمندی بر سلامتی دارد. اثرات سودمند حمایت اجتماعی برای سلامتی افراد، تحت شرایط و موقعیت‌های پرتنش و یا آرام و کم‌استرس، یکسان و مشابه می‌باشند (سارافینو، ۲۰۰۲). بنابراین افرادی که دارای حمایت اجتماعی هستند نیاز به حمایت و تایید افرادی که نقشی در زندگی آنها ندارند، ندارد. بنابراین کمتر به سراغ فالگیرها کشیده می‌شوند و چون حمایت مناسب از اطرافیان دریافت می‌کنند نیازی به تایید فالگیرها در پیشگویی موفقیت آینده ندارند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. عدم کنترل متغیرهای مزاحم و تاثیرگذار که قابل کنترل توسط پژوهشگر نبودند، استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها ابزار اندازه‌گیری و در دسترس نبودن آزمودنی‌ها و محدود بودن آنها از جمله این محدودیت‌ها بود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به مقایسه عملکرد خانواده، احساس تنهایی، سبک تفکر، ابعاد شخصیت و اضطراب جدایی در این دو گروه نیز پرداخته شود. همچنین در پژوهش‌های بعدی به تعدیل و کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی و اقتصادی و فرهنگی نیز پرداخته شود. از آنجا که حمایت اجتماعی تاثیر بسزایی در کاهش گرایش به سمت رفتارهای غیرعرفی دارد پیشنهاد می‌شود که با آموزش دادن به خانواده‌ها، تمام حمایت‌های اجتماعی لازم را از فرزندان خود از همان کودکی دریغ نکنند تا چنین مشکلاتی پیش نیاید. با توجه به تاثیر سبک‌های دلبستگی بر رفتارهای اجتماعی پیشنهاد می‌شود به پدران و خصوصاً مادران آموزش‌های لازم برای استفاده از سبک دلبستگی ایمن و اجتناب از سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا داده شود. نتایج حاصل از این آزمون می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران، روان‌درمانگران و مشاوران قرار گیرد. بدین صورت که با مطالعه این پژوهش نتایج استنباطی بدست آمده را در رابطه با مراجعه کنندگان خود بکار گیرند.

منابع

- بخشی پور رودسری، عباس، پیروی، حمید، عابدیان، احمد. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان دانشجویان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، (۷) ۲۷، ۱۴۵-۱۵۷.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). پایایی، روایی و تحلیل عاملی مقیاس سازگاری با بیماری. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ارزیابی باورهای شخصی. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- خانی، لطفعلی، و علمی، محمود، و غفاری، مظفر، و اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۲) بررسی رابطه محرومیت اجتماعی با گرایش به خرافات. مطالعات جامعه‌شناسی، ۶ (۲۱)، ۷-۱۹.
- دیماتو، ام. رابین. (۱۳۷۸). روانشناسی سلامت. ترجمه: مهدی موسوی اصل، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- سارافینو، ادوارد، پ. (۱۹۹۸). روانشناسی سلامت. ترجمه فروغ شفیعی و همکاران، چاپ چهارم، انتشارات رشد.
- شریفی، ونداد. (۱۳۸۰). فرهنگ و آسیب‌شناسی روان: خرافات و وسواس. تازه‌های علوم شناختی. ۳ (۱۵)، ۹۶-۹۷.
- عزیزخانی، اقباله، و ابراهیمی، جعفر، و آبتین، جعفر. (۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به خرافات (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل). فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶ (۱۸)، ۵۳-۷۶.
- علی پور، احمد. (۱۳۸۵). ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص‌های ایمنی بدن در افراد سالم: بررسی مدل تاثیر کلی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۲ (۲)، ۱۳۴-۱۳۹.
- فرهمندپور، الهه. (۱۳۸۹). مقایسه سبک دلبستگی و عزت نفس دانش آموزان راهنمایی آزاردیده

و آزارن‌دیده در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شورای تحقیقات آموزشی استان فارس. ق‌ادرزاده، امید، و غلامی، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل تجربه‌های زنان س‌ندجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فال‌گیری). علوم اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۵۴، ۱۰۷-۱۲۴. مؤذنی، احمد؛ بهشتی دوست، علی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بازتولید فرهنگی و طبقه اجتماعی با تأکید بر تقدیرگرایی (سرپرستان خانوار شهراصفهان)، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸ (۶۸)، ۷۱-۹۴. نیازی، محسن و شف‌اعی‌مقدم، الهام. (۱۳۹۳) بررسی عوامل موثر بر میزان تقدیرگرایی زنان. جامعه پژوهی فرهنگی، ۵ (۱)، ۱۲۳-۱۴۷.

- Bahar, H.H.(2010). The effects of gender, perceived social support and sociometric status on academic success. *Social and Behavioral Sciences*, 2,(3),11–31.
- Bruwer B, Emsley R, Kidd M, Lochner C, Seedat S. (2009). Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in youth. *Comprehensive Psychiatry*. 21.12-25.
- Drentea, P., et al., (2006). Predictors of Improvement in Social Support, *Social Sciences & Medicine*, 63, 957-967.
- Hazan ,C., & Shaver, P.(1987). Romantic love con-ceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511-542.
- Kissman, K. (1990). The role of fortune telling as a supportive function among Icelandic women. *International Social Work*, 33. 137-144
- Rogers, P., Qualter, P., & Phelps, G. (2007). The Mediating and Moderating Effects of Loneliness and Attachment Style on Belief in the Paranormal. *European Journal of Parapsychology*, 22 (2), 138–165.
- Rogers, P. (2012) Investigating the Relationship between Adult Attachment Style and Belief in the Paranormal: Results from Two Studies. *IMAGINATION, COGNITION AND PERSONALITY*, 32(4), 393-425.
- Sarafino, E.P. (2002). *Health Psychology*, Third Edition, New York, John Wiley & Sons.
- Zimet, D. G., Dahlem, N. W., Zimet, G. D., & Farley, K. G. (1988). The multidimensional scale of perceived social support. *Journal of Personality Assessment*, 25, 30-41.

Comparison of attachment styles, cognitive emotion regulation and perceived social support in people who approached a fortune teller and those who did not

¹E. Ganbari

^{*2}B. Omidvar

Abstract

This study aimed to compare attachment styles and perceived social support in people who approached a fortune teller and those who did not. The research was causal-comparative study and the research population consisted of people referred to forger of Shiraz in 2019. The sample was 50 people who approached a fortune teller and 50 who did not that they were selected by using available sampling method. Research instruments included Adult Attachment Inventory (Hazan & Shaver, 1987) and Perceived Social Support (Zimmet & et al, 1988). To analyze data were used the multivariate analysis of variance method with SPSS-21 software. The results indicated that the rate of avoidant and ambivalent attachment styles in approach people to fortune teller was higher than non-approach people to fortune teller and the rate of other and family support in them was lower than non-approach people to fortune teller ($P<0.05$), but there was no significant difference between them in terms of secure attachment and friendship social support ($P>0.05$). Based on the results, the attachment styles and perceived social support had an effective role in approached to fortune teller.

Keywords: attachment styles, perceived social support, fortune tellers

1. Student of clinical psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University.

2. PhD in Counseling, Faculty Member, Shiraz Branch, Islamic Azad University (Corresponding Author) E-mail: omidvarpsy@gmail.com